

بمیرید بمیرید

مولانا » دیوان شمس « غزلیات

بمیرید بمیرید در این عشق بمیرید

در این عشق چو مردید همه روح پذیرید

بمیرید بمیرید و زین مرگ مترسید

کز این خاک برآیید سماوات بگیرید

بمیرید بمیرید و زین نفس ببرید

که این نفس چو بندست و شما همچو اسیرید

یکی تیشه بگیرید پی حفره زندان

چو زندان بشکستید همه شاه و امیرید

بمیرید بمیرید به پیش شه زیبا

بر شاه چو مردید همه شاه و شهیرید

بمیرید بمیرید و زین ابر برآیید

چو زین ابر برآیید همه بدر منیرید

خموشید خموشید خموشی دم مرگست

هم از زندگیست اینک ز خاموش نفیرید